

چوبابه

واکنش به یک گزارش

● در پی انتشار گزارشی در شماره ۳۱۱۸ «شرق» در تاریخ یکشنبه ۱۹ فروردین با عنوان «از ستایش تا نندا» مطلب ذیل به‌عنوان جوابیه و اعتراض اهالی این دو منطقه مهم از مشهد مقدس به دفتر روزنامه ارسال شده است که بخش‌هایی از آن در ادامه می‌آید.

منطقه شهرک شهید رجایی و شهرک شهید باهنر که با عنوان قلعه ساختمان و قلعه خیابان نیز شناخته می‌شوند، دو منطقه بسیار مهم در قلب پایتخت معنوی ایران یعنی مشهد مقدس هستند که در تقسیم‌بندی شهری جزء مناطق پایین شهر محسوب می‌شوند اما این پایین‌شهریودن به معنای آسیب‌پذیریودن این نقطه از شهر نیست بلکه در کنار مسائل و ناهنجاری‌های اجتماعی که بعضا ممکن است در این منطقه مانند سایر مناطق دیده شود دارای ظرفیت‌های مهمی است و افرادی که در این دو منطقه و محلات اطراف آن زندگی می‌کنند، جزء شریف‌ترین، زحمت‌کش‌ترین و پاک‌ترین انسان‌ها هستند که با تشکیل حدود یک میلیون جمعیت از مجموع جمعیت سه‌ونیم‌میلیون‌نفری مشهد مقدس نقش حیاتی در رویدادها، برنامه‌ریزی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و اهداف درنظرگرفته برای پایتخت معنوی ایران یعنی مشهد مقدس دارند. این مناطق جزء قدیمی‌ترین مناطق مشهد مقدس و جزء استخوان‌دارت‌ترین محلات این شهر هستند که براساس برنامه‌ریزی‌های غلط در دهه‌های اخیر و سیاست‌گذاری‌های اشتباه در مدیریت شهری در تقسیم‌بندی مشهد با توجه به توسعه شهر به سمت شمال مشهد و نیز غرب به‌عنوان پایین شهر محسوب می‌شوند و این حالتی است که سابقه سکونت در این دو منطقه و محلات اطراف آن از بسیاری از مناطق مشهد بیشتر است و کانون حوادث تاریخی در مشهد به حساب می‌آیند.

سیاست‌گذاری‌های غلط و برنامه‌ریزی‌های اشتباه در مدیریت شهری باعث شد تا این دو منطقه به لطف مسئولان مرفه از قطار توسعه و رونق عقب بمانند و رفته‌رفته عنوان جدیدی با نام «منطقه کم‌برخوردار» یا «منطقه محروم» به اسامی و عناوین این دو منطقه افزوده شود، درحالی‌که سوال اساسی اینجاست که وقتی صحبت از منطقه به‌اصطلاح محروم می‌کنیم باید دقیقاً مشخص شود محروم از چه چیزی؟ مساکدان این مناطق که دلشان نمی‌خواست محروم باشند پس چه‌چیزی جز برنامه‌ریزی‌های اشتباه در مدیریت شهری در دهه‌های گذشته باعث شد تا این منطقه لقب محروم را به خود بگیرد؟

ساکنان شهرک شهید رجایی، شهید باهر و مناطق اطراف سالیان سال یعنی ده‌ها بلکه قرن‌هایتمادی به صورت مسالمت‌آمیز‌اعم از ایرانی و اتباع دیگر کشورها، شیعه و سنی در کنار هم زندگی کردند اما این کم‌برخوردار از منابع شهری و عدم توسعه فضای شهری رفته‌رفته باعث شد تا در دو دهه اخیر شاهد مهاجرت افراد مختلف به این منطقه باشیم که مهاجرت و سکونت افراد فاقد هویت که معروف به «ج» هستند می‌باشد که این افراد عمدتاً به انواع خلاف‌های اجتماعی، اخلاقی و امنیتی از جمله خریدوفروش مواد مخدر، راه‌اندازی خانه‌های فساد و… مشغول‌ند و در منطقه با ایجاد رعب‌وحشت و دعوا و نزاع و حتی قتل و جنایت با سلاح گرم و سرد امنیت منطقه را خدشه‌دار کرده و سابقه‌ درینه فرهنگی و سکونت مسالمت‌آمیز مردم منطقه در این دو شهرک را به خطر انداخته‌اند.

ادامه در صفحه ۱۳

شرق؛ محسن زنای، اقتصاددان و استاد دانشگاه اصفهان، در استودیوی الفبا ی وزارت آموزش و پرورش راجع به جایگاه آموزش‌وپرورش در توسعه کشور گفت‌وگو کرده که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید:
اگر بخواهیم توانایی یک کشور را در حوزه قابلیت برای توسعه در نظر بگیریم و اینکه این ملت بخواهد در جهان حرفی برای گفتن داشته و قابلیت اول‌شدن در خاورمیانه را داشته باشد، نباید گفت می‌توانید خودرو بسازید؟ انرژی اتمی دارید یا خیر؟ فقط باید دید آن کشور می‌تواند آدم تربیت کند یا خیر. این را از طریق نظام آموزشی آن کشور می‌توان فهمید. اگر توانست آدمی تربیت کند که نرمال، طبیعی، منظم، شاد و باکیفیت باشد، آن کشور توسعه پیدا می‌کند اما اگر نتواند آن کشور، هر صنعتی هم که بسازد نمی‌تواند توسعه پیدا کند.

همیشه در گمان من این بود که وقتی اخبار را روشن شریف‌ترین، زحمت‌کش‌ترین و پاک‌ترین انسان‌ها هستند که با تشکیل حدود یک میلیون جمعیت از مجموع جمعیت سه‌ونیم‌میلیون‌نفری مشهد مقدس نقش حیاتی در رویدادها، برنامه‌ریزی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و اهداف درنظرگرفته برای پایتخت معنوی ایران یعنی مشهد مقدس دارند. این مناطق جزء قدیمی‌ترین مناطق مشهد مقدس و جزء استخوان‌دارت‌ترین محلات این شهر هستند که براساس برنامه‌ریزی‌های غلط در دهه‌های اخیر و سیاست‌گذاری‌های اشتباه در

مدیریت شهری در تقسیم‌بندی مشهد با توجه به توسعه شهر به سمت شمال مشهد و نیز غرب به‌عنوان پایین شهر محسوب می‌شوند و این حالتی است که سابقه سکونت در این دو منطقه و محلات اطراف آن از بسیاری از مناطق مشهد بیشتر است و کانون حوادث تاریخی در مشهد به حساب می‌آیند.

سیاست‌گذاری‌های غلط و برنامه‌ریزی‌های اشتباه در مدیریت شهری باعث شد تا این دو منطقه به لطف مسئولان مرفه از قطار توسعه و رونق عقب بمانند و رفته‌رفته عنوان جدیدی با نام «منطقه کم‌برخوردار» یا «منطقه محروم» به اسامی و عناوین این دو منطقه افزوده شود، درحالی‌که سوال اساسی اینجاست که وقتی صحبت از منطقه به‌اصطلاح محروم می‌کنیم باید دقیقاً مشخص شود محروم از چه چیزی؟ مساکدان این مناطق که دلشان نمی‌خواست محروم باشند پس چه‌چیزی جز برنامه‌ریزی‌های اشتباه در مدیریت شهری در دهه‌های گذشته باعث شد تا این منطقه لقب محروم را به خود بگیرد؟

ساکنان شهرک شهید رجایی، شهید باهنر و مناطق اطراف سالیان سال یعنی ده‌ها بلکه قرن‌های متمادی به صورت مسالمت‌آمیز‌اعم از ایرانی و اتباع دیگر کشورها، شیعه و سنی در کنار هم زندگی کردند اما این کم‌برخوردار از منابع شهری و عدم توسعه فضای شهری رفته‌رفته باعث شد تا در دو دهه اخیر شاهد مهاجرت افراد مختلف به این منطقه باشیم که مهاجرت و سکونت افراد فاقد هویت که معروف به «ج» هستند می‌باشد که این افراد عمدتاً به انواع خلاف‌های اجتماعی، اخلاقی و امنیتی از جمله خریدوفروش مواد مخدر، راه‌اندازی خانه‌های فساد و… مشغول‌ند و در منطقه با ایجاد رعب‌وحشت و دعوا و نزاع و حتی قتل و جنایت با سلاح گرم و سرد امنیت منطقه را خدشه‌دار کرده و سابقه‌ درینه فرهنگی و سکونت مسالمت‌آمیز مردم منطقه در این دو شهرک را به خطر انداخته‌اند.

جدول ۳۰۸۶ • طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- کشوری در آفریقا در همسایگی آنگولا- کتابی معتبر در حوزه عاشور‌پژوهی- تجم‌مرغ انگلیسی
۲- رازها- کشوری گوهستانی در همسایگی چین و هند- پسر کاهو هنگر ۳- خدای دروغ‌بین- تهیدست- شهرستانی در استان یزد ۴- لیکن- پیر و آکنده- ماشین‌نویسی ۵- جلاذ استالین- غرب بیابان‌نشین- مطهر ۶- پروتئین سلول‌های زنده- محلل آموختن درس- یول ژاپن ۷- خدای بزرگ هندو- نوعی قایق- یکی از سه حالت ماده ۸- شک و تردید- منطقه خوش‌آب‌وهوای تابستانی ۹- دلجویی- بندگان- ماری بزرگ و بی‌زهر ۱۰- سمت‌وسو- پیدا نمی‌شود- از برادران حضرت یوسف(ع) ۱۱- قوت لایموت- نوعی سس سالاد- محافظ بافت نرم نوک انگشتان ۱۲- لباس شنا- منجمد- سوره سی‌ام قرآن ۱۳- همسایه مجارستان- روز جمعه- یازده ۱۴- سرازیری- رقیق- بسیار خوشایند ۱۵- بانگ چوپان- همراه پشتک- واحد اندازه‌گیری طول‌های بزرگ.

عمودی:

۱- رقیق متحرف و گمراه- چوبدستی پلیس- داستانی مشهور نوشته شاتو بریان فرانسوی
۲- پیوستگی- پیامبر اکرم(ص) آن را آفت دانش دانسته‌اند ۳- تلخ- کنایه از شخص اخمو و بدخلق است- مشهور ۴- امر به یاقتن- امتحان‌کردن- اسب بارکش ۵- خط ناینیان- خاطر- خدای مصریان قدیم ۶- سخن‌چین- نامی دخترانه - با.. آشنا سخن آشنا یگو ۷- اقسام، گونه‌ها- جمال- رایحه ۸- اصلی‌ترین شهر جزیره سیسیل ایتالیا- کنایه از

جامعه

صاحبان انحصار پول خرج می‌کنند تا تحولی شکل نگیرد

حذف آزمون سمپاد، امتحانی بزرگ برای دولت است



ما در سند چشم‌انداز گفته‌ایم، ۲۰ سال بعد در منطقه، کشور اول اقتصادی و نظامی باشیم به شرطی شدنی است که ما قبل از برنامه ۲۰ساله یک برنامه ۳۰ساله برای تربیت آدم‌های توانمند داشته باشیم، پایه‌حال برنامه‌های توسعه‌مان برای تربیت افراد باسواد و فن‌ورز بوده و نه برای تربیت افراد توانمند. از بعد از دبستان و دبیرستان و دانشگاه، ما نیروی تولید پرورش می‌دهیم و نه نیروی توسعه. آنچه ما برای توسعه می‌خواهیم، انسان‌های توانمندی است که بتوانند دوستی و رفاقت کنند و قانون را محترم بشمرند، خلاق باشند و خشم خود را کنترل کنند و بتوانند گفت‌وگو انجام دهند و محیط زیست را پاس بدارند و در دموکراسی اخلاقی عمل کنند. اینها نیروهای توسعه‌اند. دانشگاه، نیرو برای افزایش تولید تربیت می‌کند ولی انسان توانمند که بتواند زیست انسانی و اخلاقی مطلوبی داشته باشد، مهم است. اگر توانیم افراد توانمند تربیت کنیم، بهترین ماشین را به این افراد بدهیم تصادف می‌کنند، ما اوتومبیل‌هایمان نسبتاً پیشرفته است، اما در این ۳۰ سال از تصادفات ما کم نشده است؛ زیرا توانایی فکری و ذهنی لازم برای یک سانت کمتر روی بدال گاز فشاردادن، تربیت‌نشده است. در دبستان باید انسانی تربیت کنیم که به‌جای یک متر وارد خط عابر پیاده‌شدن بفهمد که یک‌سوم حق عابر پیاده را گرفته و شاید همین یک متر در پنج هزارمتری که طی می‌کند اثری نداشته باشد، اما همین در بلندمدت و آینده وقتی مدیر بانک شد اختلاس سه هزارمیلاردی می‌کند و می‌گوید من می‌توانستم اختلاس ۹ هزارمیلاردی بکنم ولی حالا یک‌سوم اختلاس می‌کنم. این همان راننده است. اطلاعاتی که ما در طول دوره تحصیل به خورد بچه‌هایمان می‌دهیم، زباله است و نوعی یادگیری زاید است. بچه توانایی فکرتکردن ندارد. اگر قرار باشد دانش‌آموز در دبیرستان دانش بیاموزد ابتدا باید فکرتکردن بیاموزد و بعد یاد بگیرد فلان قله کجاست، کاری که ما می‌کنیم، تزریق اطلاعات زاید در ذهن دانش‌آموزمان است. بخش بزرگی از نظام آموزشی ما اطلاعات زایدی می‌دهد که به درد زیستن او یا لذت‌بردن و انسان‌بودن نمی‌خورد. در دبستان باید زیستن را بیاموزیم و در دبیرستان فکرتکردن و در دانشگاه باید تخصص بیاموزیم و عمل‌کردن. ما این فاصله را نداریم از اول دبستان، اطلاعات در ذهن بچه می‌ریزیم و استرس می‌دهیم بدون اینکه فکرتکردن را بیاموزد. با نسلی روبه‌رو هستیم که ۱۲ سال تحت استرس شدید بوده است. اگر ما در خیابان تصادف کردیم و دعوا می‌کنیم مقصرش آموزش‌وپرورش است؛ زیرا ما از کودکی ۱۲ سال با کابوس و استرس از خواب بیدار شده‌ایم. این فرد تا بزرگ شود اعصابی برایش نمی‌ماند. این بلایی که ما

کشورمان در یک مدیریت بلندمدت قرار گیرد و همه امکانات مدیریت و انرژی‌مان را روی این سه گزینه بگذاریم. در حوزه امنیت بیرونی موفق عمل کرده‌ایم اما در حوزه آب و تربیت نیازمند کارکردن است‌که جلودار و خط مقدم آن آموزش‌وپرورش است. درواقع وقتی بخواهیم موضوعات دیگر را مدیریت کنیم اگر این سه موضوع مدیریت نشود، در موضوعات دیگر هم شکست می‌خوریم. این اولویت‌بندی ۳۰ساله است. اگر بپرسید الان تا یک سال آینده اولویت چیست، می‌گویم رکود. نظام سیاسی باید بسیج شود تا رکود را حل کند و دولت به‌تنهایی نمی‌تواند؛ بنابراین برنامه‌ریزی برای کوتاه‌مدت یا بلندمدت متفاوت است.

منافع اجازه حذف کنکور نمی‌دهند

یکی از تغییرات دیگر حذف کنکور است. زمانی تعداد دانشگاه‌ها کم و متقاضی زیاد بود و تناسی میان جمعیت و صندلی دانشگاه نبود، شاید آزمون کنکور قابل دفاع بود. گرچه آن زمان هم به نظر من قابل دفاع نبود، ولی امروز که بالای یک میلیون صندلی در دانشگاه داریم درحالی‌که متقاضیان دانشگاه زیر یک میلیون است اصولاً کنکور هیچ توجیه منطقی و عقلانی ندارد. اینکه چه مکانیسمی برای جذب بگذارند یا اینکه چگونه باید از خانواده‌های فقیر برای تحصیلات عالی فرزندانشان حمایت شود هم مکانیسمی می‌تبد و این حرف من نافی نادیده‌گرفتن این قشر نیست. هر دانشگاهی می‌تواند مکانیسمی برای ورود داشته باشد ولی اینکه ما کل کشور و خانواده‌ها را بسیج کنیم که از یک‌میلیون و ۱۰۰ هزار صندلی ۷۰۰ هزار عدد را پر کنیم کار قابل‌دفاعی نیست. صندلی‌ها خالی است و ما تلاش کنیم با فشار برویمن روشن بنشینیم! کنکور این کار را می‌کند. ما حتی در مورد پزشکی هم صندلی بیش از نیازمان داریم. فرض کنید در این حوزه هم تعداد صندلی کم است؛ ما برای بکرتدن تعداد مثلا ۲۰ هزار صندلی پزشکی، یک میلیون خانواده را درگیر می‌کنیم تا این صندلی‌ها پر شوند. بعد همان پزشکی چه آسیبی می‌بینند. مردم می‌گویند چسرا این پزشکی‌ها این‌قدر بداخلاق و بی‌حوصله‌اند. چون تو پدرش را درآوردی تا پزشک شود. پنج سال قبل از دانشگاه و ۱۰ سال بعد از دانشگاه و این فرد دیگر آدمی معمولی نیست. اصولاً کنکور سوارکار بدی است و بیشتر کشورها حذف کرده‌اند. کنکور کاملا زاید است و گمان می‌کنم منفعی هست که اجازه حذف کنکور را نمی‌دهد. باید اطلاع‌رسانی کرد و خانواده‌ها را مجاب کرد و مکانیسم را تغییر داد. من معتقدم همان‌گونه‌که آموزش‌وپرورش جدی وارد حذف آزمون مدارس خاص شد، باید در مورد کنکور هم جهادی وارد شود. البته هر کار جدیدی هزینه دارد و ممکن است وزیر استصاح هم شود ولی یک نفر باید در این کشور هزینه بدهد. اگر کسی نخواهد هزینه بدهد که کاری پیش نمی‌رود.

مشق شب را بردارید. استرس کم می‌شود

می‌توان از تغییرات کوچک شروع کرد. هم امکانات رفاهی و حقوق خوب به معلم بدهیم و هم ضوابط محکم داشته باشیم. ولی در همین شرایط کنونی هم اگر عزمی در وزارتخانه و دولت باشد، می‌توان تغییراتی داد. مثلا حذف مشق شب کار بزرگی است و نه بودجه می‌خواهد و نه چیزی. فقط یک دستور می‌خواهد. البته با این دستور اولین مقاومت از سوی مدارس اتفاق می‌افتد و اعتراض می‌کنند که چرا مشق شب نمی‌دهید فرزندانمان فردا روز می‌خواهند تکنور بدهند و قبول نمی‌شوند. درواقع نگرانی کنکور با مادر هست. رفاقتی که در سال دوازدهم برای کنکور گذاشته‌اید در سال اول دبستان برای مادر نگرانی ایجاد کرده است. پس اگر می‌خواهید مشق شب را بردارید که بهتر است چنین کنید چون هفت سال دانش‌آموز با نگرانی می‌خواید و با کابوس بیدار می‌شود. اول باید نگرانی مادر را بردارید. مقاومت بعدی با معلم است. معلم یاد گرفته است مشق شب دهد و خط بزند درواقع مشق شب ابزار قدرت معلم شده است. معلم‌ها ما هم باید آموزش ببینند و بداندن با رفتارشان با بچه چه می‌کنند. با یک مقایسه‌با یک احم که بلایی سر بچه می‌آورد. البته معلم هم در یک فشار پراسترس بزرگ شده و در کزبنش معلم هم ممکن است ما کوتاهی کرده باشیم. اگر امنیت اجتماعی و امنیت معیشت تأمین نشود هیچ‌کسی به دنبال خودشگوفانی و فضیلت‌های اجتماعی نمی‌رود، چه برسد به دیگران بخواهد بیاموزد. شکی نیست که اگر بخواهیم آموزش‌وپرورش را به یک موتور توسعه تبدیل کنیم و انسان‌های توسعه‌آفرین از این سیستم بیرون بیایند، قبل از هر چیزی باید اولویت‌بندی نظام سیاسی تغییر کند. نه اینکه اولویت دولت صرفا بودجه بیشتر باشد، بلکه باید بدانیم این کشور را باید آدم‌های آن بسازند و نفت و نیروی نظامی و… نمی‌سازد؛ بنابراین باید امنیت ملی، آب و آموزش‌وپرورش سه اولویت اول

اکبر این موضوع ساده را که همه متخصص‌ها معتقدند آزمون مدارس خاص که برای یک نسل آسیب‌زااست، توانیم حذف کنیم. به این معنی است که در نظام سیاسی ما هیچ تحول جدی امکان ندارد. اگر اینجا نتوانیم کاری کنیم، دیگر نظام بانکداری یا توزیع آب را نمی‌توانیم اصلاح کنیم. حکمرانی آب بسیار هزینه‌بر است اما باید حل شود اما در اینجا که با منطق و استدلال می‌شود موضوعی را حل کرد، نتوانیم کاری کنیم. قطعا در حوزه‌های دیگر هم نمی‌توان مسائل را حل کرد. این موضوع می‌توانسد یک امتحان بزرگ برای آموزش‌وپرورش و دولت و نظام سیاسی باشد. اینکه این آزمون‌ها با قدرت باندهایی که منافع اقتصادی‌شان در خطر است، حذف نشود، امتحان بزرگی است.

ادامه در صفحه ۱۳

تهرانشر

حق بر خورداری زنان از بیمه‌های اجتماعی

وچیده نگین*

● تأمین اجتماعی و حمایت اجتماعی، به‌ویژه در بستر بحران مالی اخیر، در سراسر جهان در کانون توجه قرار دارد. حمایت اجتماعی در کشورهای درحال‌توسعه، به مرور زمان بیشتر از پیش، حکم سازوکاری ارزشمند برای پرداختن به مسئله فقر و ایجاد رشد و توسعه را پیدا کرده است. در جهان توسعه‌یافته، حکومت‌هایی‌که به دنبال محدودکردن هزینه‌های دولت در برنامه‌های اجتماعی هستند، در حقیقت از تعهدشان در قبال تأمین اجتماعی می‌کاهند. جایگاه زنان در تأمین اجتماعی و حمایت اجتماعی موردتوجه روزافزون هیت‌های بین‌المللی، آژانس‌های توسعه و دولت‌ها قرار دارد. این باور هر روز بیش از پیش پذیرفته می‌شود که بهترین راه در سرمایه‌گذاری انسانی، سرمایه‌گذاری درخصوص زنان است، در نتیجه‌گاه از زنان می‌خواهند سنگینی بار توسعه را بدون حمایت از منافع و نیازهایشان به دوش بکشند. برای مثال کمک‌های مالی مشروط غالبا به‌گونه‌ای طراحی می‌شوند که به مسئولیت‌های تمرکز بر زنان و نقش آنها در پس تمام این تلاش‌ها ارزشمند به نظر می‌رسند، اما نباید تمام توجه‌مان بر نقش زنان در توسعه متمرکز باشد، بلکه افزون بر این باید به حق زنان در برخوردار ی از مواهب سیاست‌های اجتماعی نیز توجه داشته باشیم. تعداد بیش از اندازه زنان در وضعیت فقر تصادفی نیست، بلکه احتمال خطر ابتلای زنان به فقر مشخصا متأثر از جنسیت‌شان است. درحالی‌که احتمال این خطر در مردان عمدتاً به مسئله بیرون‌ماندن از بازار کار مربوط می‌شود، احتمال فقر زنان متأثر از عوامل دیگری مبتنی بر جنسیت است. نقش‌های مراقبتی بدون حقوق می‌تواند به شکل معناداری دسترسی زنان به مشاغل با حقوق کافی را محدود کند و برای بسیاری از زنان فرصتی به‌جز پذیرفتن مشاغل بی‌ثبات و کم‌درآمد باقی نگذارد. کار نیمه‌وقت، به‌خصوص در معرض خطر دستمزد اندک قرار دارد. فعالیت زنان اکثرا در بخش غیررسمی صورت می‌گیرد، به‌ویژه در کم‌درآمدترین بخش یعنی کارکن خانگی. نقش‌های مراقبتی اثراتی بر درآمد زنان و درنتیجه استحقاق بر منیای فقر درآمد توضیح داد. فقر زنان درعین‌حال با ناپابری درخصوص زمان و نهاده کار نیز مرتبط است. امروزه، زنان در تمام دنیا از شمال و جنوب نیازی مبرم به حمایت اجتماعی در دنیای جهانی‌شده‌ای دارند که فقر در آن در حال رشد است. دنیایی که در آن بازار و ایدئولوژی نوحافظه‌کاری، هر دو نقش‌های نامطلوب را بر عهده زنان گذاشته است. بنابراین جنسیت‌مندکردن حمایت‌های اجتماعی در بستر فقلی، مستلزم تلاش برای بازداشتن، مدیریت‌کردن و غلبه بر تمام موقعیت‌هایی‌است که تأثیری نامطلوب بر بهزیستی و استانداردهای زندگی افراد دارند. این موضوع تشویق سیاست‌های اجتماعی تحول‌آفرین را امری لازم می‌داند که بر اساس آن، هیچ‌کس تنها به خا خود رها نشود و میان انسان‌ها بر اساس اتصال به بازار کار رسمی تبعیضی صورت نگیرد.

۷	۲					۵
		۶				
			۵	۱		۸
۳			۷		۴	
	۶		۱	۳		
				۹	۲	
			۸	۱		۷
				۴		۹
					۹	۸

سودوکو سخت ۲۰۸۲

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ساده ۲۰۸۲

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

اصیل ایرانی- میوه تابستانی ۱۳- گروه مجهر- قدرت و توانایی- شیوه و شگرد ۱۴- فرنگی- اعتراض نسبت به عدم پرداخت اسناد تجاری ۱۵- کناه کوچک- سرزمین یعقوب‌(ع) - فلکس.

حل سودوکو سخت

۳	۵	۶	۸	۲	۹	۴	۱	۷
۹	۴	۷	۶	۱	۳	۵	۲	۸
۱	۲	۸	۵	۷	۶	۹	۴	۳
۷	۳	۱	۵	۹	۸	۲	۶	۴
۸	۹	۴	۲	۳	۶	۱	۷	۵
۵	۶	۲	۷	۱	۳	۸	۹	۴
۴	۱	۵	۹	۸	۷	۳	۲	۶
۶	۸	۳	۲	۷	۶	۱	۴	۵
۶	۸	۳	۲	۷	۶	۱	۴	۵
۲	۷	۹	۱	۳	۴	۸	۵	۶

حل سودوکو ۲۰۸۱

۹	۶	۷	۵	۲	۴	۸	۳	
۸	۴	۲	۳	۶	۷	۹	۵	۱
۱	۳	۵	۸	۴	۶	۷	۲	۹
۲	۱	۶	۷	۳	۵	۴	۹	۸
۴	۷	۸	۲	۱	۹	۵	۳	۶
۲	۱	۶	۷	۳	۵	۴	۹	۸
۴	۷	۸	۲	۱	۹	۵	۳	۶
۵	۹	۳	۸	۴	۶	۷	۱	۲
۳	۵	۶	۲	۷	۱	۴	۹	۸
۷	۸	۹	۵	۲	۳	۱	۶	۴

جدول ۳۰۸۵

۱۵	۱۴	۱۳	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲
۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳
۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲
۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳
۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵										